

## یادمان زندگی در اعماق هزاره‌ها

نگاهی به تنوع و ارزش یافته‌های میراث فرهنگی در  
گورستان باستانی "آق‌اولر" تالش



\* مطالعه بر روی اشیاء به‌دست آمده از گورهای چندنفره

حاکمی از همزمانی تدفین آنهاست

\* کشف ۳۰ گور با تدفین‌های گوناگون به‌همراه ۱۸۸ قلم شیء

از جمله دستاوردهای کاوش در "آق‌اولر" است

\* در نیمه دوم هزاره اول قبل از میلاد، طبقات اجتماعی

مختلف در "آق‌اولر" می‌زیسته‌اند

\* ساکنان "آق‌اولر" روی تدفین‌ها را با لایه‌ای زغال

می‌پوشاندند تا رطوبت به استخوانها نرسد

\* بزرگترین گورستان پیش از تاریخ ایران، ناگفته‌هایی

متعلق به نیمه دوم هزاره اول قبل از میلاد را در خود جای

داده است

### اشاره:

سرزمین تالش که بخش وسیعی از شمال استان گیلان را اشغال

کرده از نظر شرایط اقلیمی به سه منطقه جلگه‌ای، جنگلی و

کوهستانی تقسیم می‌شود.

"آق اولر" که در منطقه کوهستانی و در بخش مرکزی تالش واقع شده به دلیل برخورداری از جاذبه‌های توریستی و آب و هوای مناسب، یک منطقه ییلاقی محسوب می‌شود و محل زندگی دامپروران و کشاورزان مناطق اطراف، در فصل تابستان است. این منطقه ییلاقی که نام قدیمش "نواده" است در بهترین شرایط اقلیمی ۵۰۰ سکنه و در زمستانها نزدیک به ۵۰ سکنه را پذیراست.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد این منطقه در دوران قاجار، شکارگاه خانواده سردار امجد بوده و پس از اینکه دو کاخ در این منطقه ساخته می‌شود به دلیل پوشش سفیدکاخ‌ها، "نواده" به "آق اولر" - یعنی خانه‌های سفید - تغییر نام می‌دهد.

این تاسیسات در دوران مشروطه و با شورش، مردم علیه خان‌های منطقه به آتش کشیده می‌شود و از بین می‌رود. چندی پیش که خاک‌های باستانی منطقه "آق اولر" سکوت چند هزارساله خود را شکستند هیچ‌کس یقین نداشت در دل این منطقه کوهستانی، بزرگترین گورستان پیش از تاریخ ایران جاخوش کرده باشد.

انگار خاک مصمم شده بود بخشی از تاریخ فرهنگی را فاش کند که به دلیل صعب‌العبور بودن منطقه از چشم مردم جا مانده بود و تنها به عنوان ییلاقی کوچک از آن نام می‌رفت. این ۴۰۰ عرصه هکتاری که در هر گوشه آن احتمال می‌رود گوری نهفته باشد آغاز راه باستان‌شناسان و انسان‌شناسانی است که می‌بایست در لایه لایه‌های عملیات کاوش به زندگی و فرهنگ سده‌های قبل مردم منطقه پی ببرند.

ساکنان جدید "آق اولر" که از نظر تاریخی چند هزار سال با پیشینیان خود فاصله دارند، امروز زندگی خود را بر زمین‌هایی برپا داشته‌اند که یکی از بزرگترین گورستانهای



پیش از تاریخ ایران در زیر آن به خواب رفته است. برخی مدارک نشان می‌دهد کمتر از یک قرن پیش یعنی در فاصله سالهای ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۱ میلادی بخش‌هایی از این منطقه توسط "دمرگان" باستان‌شناس فرانسوی مورد کاوش قرار می‌گیرد.

در آن زمان با توجه به اشیاء به‌دست آمده و لایه‌نگاری انجام شده، قدمت منطقه به سده‌های آغازین هزاره اول قبل از میلاد نسبت داده می‌شود.

همچنین با وجودی که دکتر عزت‌الله نگهبان در سال ۱۳۴۰ شمسی ضمن حفاری تپه مارلیک اشیاء به‌دست آمده از این تپه را قابل مقایسه با "آق‌اولر" ذکر می‌کند هیچ باستان‌شناسی به این یادمان تاریخی قدم نمی‌گذارد. در سال ۱۳۵۰ نیز با وجود آغاز انجام مطالعاتی در منطقه گیلان، کارها به سرانجامی نمی‌رسد تا اینکه به‌دنبال شناسایی کامل منطقه در سالهای اخیر، اولین فصل بررسی، کاوش، تعیین حریم و نجات بخشی منطقه "آق‌اولر" در چند ماه گذشته آغاز می‌شود.

### کشفیات گورستان "آق‌اولر"

بررسی‌های انجام شده بر روی آثار مکشوفه و بافت معماری گورهایی که از یک هکتار این محوطه ۴۰۰ باستانی هکتاری به‌دست آمده‌اند، قدمت گورستان "آق‌اولر" را به نیمه دوم هزاره اول قبل از میلاد به‌ویژه دوره هخامنشی نسبت می‌دهد که از نظر باستان‌شناسان تداوم آن تا دوره پارسی "اشکانی" محرز می‌باشد.

کشف ۳۰ گور با تدفین‌های یکنفره، دونفره، و سه‌نفره و جمعی ماحصل اولین فصل کاوش در این گورستان است. در این گورها می‌توان رد باورها و اعتقادات برجای مانده

از مردم آن روزگار را دنبال کرد. برخلاف آنچه که امروزه ،  
فرد متوفی بی‌نیاز از ابزار و لوازم این دنیای مادی به  
خاک سپرده می‌شود ، پیشینیان تمام لوازم یک فرد را همراه  
او در گور می‌گذاشتند.

آنان مرگ را نقطه پایان حیات نمی‌دانستند و معتقد بودند  
مردگان روزی زنده می‌شوند و برای زیستن به ابزار ، لوازم  
و آذوقه نیاز دارند.

۱۸۸ قلم شیء شامل ظروف سفالین ، ابزار و ادوات مفرغی نظیر  
خنجر ، سرنیزه ، دهنه اسب ، پیاله ، گوشواره و نیز اشیاء  
نقره ، ابزار رزم و شکار ، تزئین آلاتی همچون سنگ‌های  
تزئینی ، شیشه ، خمیر شیشه ، مفرغ ، عقیقه ، مرجان و... این  
آثار مکشوفه را تشکیل می‌دهند.

همچنین مواد پروتئینی برجای مانده در داخل ظروف و یا  
قطعه‌ای استخوان پرنده نشان می‌دهد این ظروف در هنگام  
تدفین ، انباشته از آذوقه موردنیاز برای روز رستاخیز  
بوده‌است.

به گفته سرپرست گروه باستان‌شناسی ، مطالعه بر روی اشیایی  
که از گورهای دو و سه نفره به دست آمده است حاکی از  
همزمانی تدفین‌ها است.

هرچند که احتمال می‌رود این امر بیانگر وقوع یک حادثه  
یا شیوع یک بیماری در آن دوره باشد اما آسیب‌شناسی  
اسکلت‌ها و مجموعه‌ها به دلیل از بین رفتن و پوک شدن آنها ،  
در این دوره از کار میسر نشد.

به گفته پزشک هیات باستان‌شناسی ، میزان اسیدپتیه بالای  
جنس خاک و در بعضی موارد نفوذ آب به داخل گورها سبب  
تشدید پوسیدگی استخوانها شده و به همین دلیل دستیابی به  
اسکلت سالم و نیز شناسایی عوارض استخوانی میسر نشده است.  
تنها در یک مورد مطالعات ظاهری آسیب‌شناسی ، عارضه‌ای

استخوانی مانند آرتروز را نشان می‌دهند.

## طبقات اجتماعی در "آق‌اولر"

بررسی بر روی گورهای منطقه باستانی "آق‌اولر" حاکی از وجود طبقات مختلف اجتماعی در نیمه دوم هزاره اول قبل از میلاد است.

نتایج کار هیات باستان‌شناسی حاکی از آن است ثروتمندترین گور این منطقه متعلق به فرد میان‌سالی است که به همراه همسر و فرزندش به خاک سپرده شده است. ۴۰ ظرف سفالی، مقداری لوازم رزم و شکار، تزئینات و کلاهخودهای آهنی اشیاء مکشوفه این گور خانوادگی را تشکیل می‌دهند.

همچنین کشف تدفین این زن که همراه ابزار رزم به خاک سپرده شده بود نشان از وجود زنان جنگجو در آن دوره از تاریخ دارد.

این زن که براساس تخمین کارشناسان انسان‌شناسی در هنگام مرگ ۳۰ ساله بوده همراه با ابزار جنگی، شمشیر، سرنیزه بلند، کوزه، مهره‌های تزئینی از جنس خمیر شیشه و نیز نوارهایی از جنس مفرغ که احتمالاً به عنوان سربند کاربرد داشته به خاک سپرده شده است.

محمدرضا خلعت‌بری، باستان‌شناس با تاکید براینکه این رزم آوری در تاریخ بی‌سابقه نیست می‌گوید: در طول تاریخ گیلان زنانی بودند که حکومت منطقه را بدست گرفته و از جایگاه اجتماعی والایی نسبت به دیگران برخوردار بوده‌اند. این روند حتی در بعد از زمان صفویه نیز مشاهده شده است. گفتنی است کشف یک مورد تدفین اسب در این دوره از کاوش بیانگر گوشه‌ای دیگر از اعتقادات مردم آن روزگار است.

به گفته کارشناسان وجود ظروف سفالین در کنار جسد اسب و نحوه به خاک سپاری آن نشانه به جای آوردن آداب خاص در



تدفین این حیوان می باشد.

خلعت بری می گوید: اهمیت و جایگاهی که اسب در ارتباط با شکل گیری تمدن های مختلف داشته سبب شده تا به عنوان یک نیروی پرتحرک از نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد در اختیار بشر درآید و به سبب اهمیت جایگاهش عموماً "همراه با صاحبش به خاک سپرده می شده.

وی می افزاید: مطالعاتی که در منطقه گیلان صورت گرفته نشان می دهد قبور سرداران و افراد شاخص جامعه عموماً "با تدفین اسب همراه بوده است.

وی با اشاره به اینکه این یافته ها را یکی از ویژگی های تمدن سکایی می داند ، احتمال حضور و یا نفوذ تمدن آنان به این منطقه را رد نمی کند.

گزارش های گروه باستان شناسی حاکی از آن است که در کنار این تدفین های شاخص ، مواردی نیز مشاهده شده که بیانگر فقر و سطح زندگی پایین فرد در آن دوره می باشد ، کما اینکه در کنار یک اسکلت بدست آمده از داخل گور فقط ۲ کوزه سفالی قرار گرفته بود.

سرپرست هیات باستان شناسی معتقد است نوع بافت معماری گورها با جایگاه فرد در جامعه نسبت مستقیم دارد.

وی می گوید: در حالی که برخی قبور به شکل حفره ای ساده در زمین ایجاد شده ما شاهد قبور کلان سنگی و چهار چینه با دیوار مشترک و ابعاد مختلف نیز بودیم.

با توجه به اینکه برخی از قبور کلان سنگی دارای در ورودی است مسلماً "برای اشخاص عادی جامعه ساخته نشده است.

خلعت بری می افزاید: از آنجا که در برخی گمانه زنی ها

شکل گیری گورستان دوره اسلامی بر روی گورهای دوره تاریخی مشخص شده این گورستان می تواند بیانگر شکل گیری و تداوم یک تمدن عظیم در منطقه باشد که تا دوره اسلامی تداوم

داشته است.

گفتنی است در مواردی مشاهده لایه زغال بر روی اسکلت‌ها نشان می‌دهد مردم آن روزگار با آگاهی از شرایط آب و هوایی و رطوبت منطقه برای جلوگیری از پوسیدگی سریع استخوانها، روی آن را با لایه‌ای زغال می‌پوشاندند تا رطوبت به استخوانها نرسد.

### دیدگاه انسان‌شناسی "آق اولر"

همانطور که باستان‌شناسان براساس اشیاء مکشوفه از داخل گورها به فرهنگ گذشتگان پی می‌برند انسان‌شناسان نیز با مطالعه بر روی بقایای انسانی، تحولات و تغییرات فرهنگ را می‌کاوند و با امروز تطبیق می‌دهند.

متخصص انسان‌شناسی با مطالعه بر روی نحوه تدفین گورهای باستانی "آق اولر" می‌گوید: نگاهی به آداب تدفین در دوره‌های تاریخی نشان می‌دهد مردم آن زمان در جهت تابش نور خورشید به خاک سپرده می‌شدند.

به گفته وی در گورستان "آق اولر" بیشتر افراد روی کتف راست و با دست‌ها و پاها جمع شده و بقیه روی کتف چپ تدفین شده‌اند.

همچنین دستیابی به موارد استثنایی تدفین مانند طاقباز و دمر و می‌تواند حاکی از انجام مراسم تدفین در نیمروز و شب باشد.

فرزاد فروزانفر می‌افزاید: کشف ۳۰ گور انفرادی، خانوادگی و جمعی منجر به شناسایی ۳۶ مورد اسکلت شد که از آن میان اسکلت ۱۶۹ مرد، زن، ۷ کودک زیر ۱۲ سال مشخص گردید و ۴ مورد به دلیل متلاشی شدن بقایای انسانی در طی سالیان مجهول باقی ماند.

متخصص انسان‌شناسی گروه باستان‌شناسی "آق اولر" می‌گوید:

علی‌رغم اینکه انتظار می‌رفت افراد منطقه کوهستانی از جثه‌ای عظیم و قوی برخوردار باشند بررسی اسکلت‌ها نشان داد افراد این منطقه از نظر استخوان بندی دارای اسکلت ریز نقش و یا متوسط بوده‌اند.

گزارش‌های انسان‌شناسی با اشاره به سرعت از بین رفتن استخوانهای افراد پیر ، میانگین سنی بقایای برجای مانده در داخل گورها را بین ۳۰ تا ۳۵ سال و کودکان را بین ۲ تا ۳ سال تخمین می‌زنند.

در این بین تنها دو مورد اسکلت زنانه کهنسال حدوداً ۶۰ تا ۶۵ ساله شناسایی شده است.

همچنین برپایه این گزارش میانگین قد زنان و مردان به ترتیب ۱۵۸ و ۱۶۴ تعیین گردیده است.

### این ساکنان که بودند؟

هرچند که در نوشتار برخی از مورخین یونانی به حضور اقوامی انبوه و با تمدنی بسیار درخشان در این منطقه اشاره شده اما به دلیل عدم انجام مطالعات اساسی و علمی ، آگاهی و دانش چندانی از سابقه استقرار تمدن و هنر در این منطقه در دست نیست.

محمدرضا خلعت‌بری ، باستان‌شناس می‌گوید: در یکی از منابع با اشاره به وجود اقوامی به نام "کادوسیای" نوشته شده "کادوسیای کشوری است کوهستانی که دارای راههای صعب‌العبور و فاقد غلات و میوه است مردمش سیب جنگلی می‌خورند و افرادی جنگجو هستند".

سرپرست گروه باستان‌شناسی می‌افزاید: به دنبال بررسی‌هایی که سال گذشته در منطقه انجام شد مراکز دیده‌بانی در چند نقطه کوهستان شناسایی گردید این یافته ها نشان می‌دهد در دوره‌های گذشته به خاطر مصونیت جامعه



از حمله اقوام دیگر ، نگاهبانانی تمام منطقه را زیر نظر داشته‌اند.

با توجه به این نشانه‌ها اگر این گورستان متعلق به مردمانی باشد که در نیمه دوم هزاره اول قبل از ، میلاد صدها سال در این منطقه زیسته‌اند ، پس سکونت گاه‌هایشان در کجا واقع شده؟ سرپرست گروه باستان‌شناسی با اشاره به کشف نشانه‌هایی اندک از استقرار مردم سده‌های پیشین می‌گوید: در فاصله ۲۰ متری آخرین گوری که مورد کاوش قرار گرفت و در قسمت جنوب شرقی محدوده یک هکتاری ، اجاق‌هایی با دیوارهای سنگی کوتاه و پوشیده از خاکستر و زغال‌شناسایی شد که در کنار آنها فضاهایی برای قرار دادن ظروف نیز تعبیه شده بود.

به اعتقاد خلعت‌بری ، از آنجا که در آن زمان برای ساخت منازل ، شاخه‌های درخت "پوری" را در زمین فرو کرده و رویش چادر می‌کشیدند ، بر اثر گذشت زمان چوبها از بین رفته و ادامه امکان شناسایی ساختار معماری منازل وجود ندارد.